

جریان نهضت مکاتب نوین در اروپا



برجسته‌ترین مشخصات تاریخ مؤسسات آموزشی از دوران تجدید بیعد در بیشتر کشورهای اروپائی غربی ادامه تکامل و توسعه آنست • تنها کشور فرانسه را که در دوره انقلاب کبیر مصمم بود گذشته خود را فراموش کرده و دستگاههای نوین تربیتی ایجاد نماید باید از این قاعده کلی مستثنی داشت ولی پس از ۱۵ سال اغلب سنن و روشهای قدیمی مجدداً احیاء و مورد استفاده قرار گرفتند . در طی قرن ۱۹ کشور های فرانسه آلمان و انگلیس هر سه از یک جنبش عمومی پیروی مینمودند که منجر به تأسیس آموزشگاههای همگانی گردید و منظور این بود که درجات مختلف تعلیم و تربیت با احتیاجات گوناگون جامعه‌هائیکه در نتیجه آغاز عصر صنایع شروع به تحول کرده بودند تطبیق داده شود .

دومین مشخص تاریخ مؤسسات آموزشی اینست که بهمان نسبت که از روش قرون وسطی دور میشویم تطابق و سازش تدریجی دستگاههای مختلف آموزش با نبوغ ویژه هر قوم و ملت بیشتر شده و در نتیجه استعداد ذاتی آنان توسعه مییابد . در اثر فشارهای روز افزون زندگی و احتیاجات بیشمار صنعتی روشهای تربیتی متوجه هدفهای سیاسی ملی شده و مفهوم انسانی و نوع پرستی خود را از دست میدهند . و فرهنگ قدیمی با منحرف شدن از هدف اولیه خود تأثیر رس را هم از دست میدهد .

در نتیجه این کیفیت جنبش دوگانه‌ای پیدا میشود . در جنبش اول توجه سیاست ملی به منتهی درجه شدت میرسد (حکومتهای آلمان نازی و ایتالیائی فاشیست) . در جنبش دوم سعی میشود که مفهوم انسانی و نوع پروری که در نتیجه احتیاجات روز افزون زندگی اقتصادی و سیاسی در آستانه انهدام بود مجدداً احیا و بر قرار گردد .

در هر يك از اعصار تاریخی ، مربیان ، فلاسفه ، علمای علم‌الاخلاق یا روانشناسان ، و بشر دوستانی پیدا شده اند که به نواقص دستگاههای آموزشی عصر خود پی برده و درصدد چاره جوئی برآمده‌اند و برای عملی ساختن مقاصد بشر دوستانه خود مکاتبی تأسیس کرده‌اند تا بتوانند با آزادی عمل اصول و عقاید تربیتی خود را بموقع اجرا گذارند و در ضمن بکمک آزمایشها و مشاهدات بی دریغ نواقص و تکمیل تعلیمات بپردازند . ولی اینگونه تجربیات و ابتکارات تا آخر قرن ۱۹ بطور انفرادی و بندرت انجام میگرفت (مثلا در اینالیا در قرن ۱۵ میتوان از ویتورینودو فلترا (۱) جوآرینو دو ورون (۲) و در قرن ۱۷ در بهم و مراوی از پدر بزرگ مربیان معاصر کومنیوس (۳) و بالاخره در همین قرن از مدارس پورت‌روآیال (۴) که بمنظور تربیت اطفال اشرافی تأسیس شده بود نام برد) . در اواخر قرن هیجدهم اینگونه آزمایشها در الزاس ، سویس و آلمان رو بافزایش گذاشت و با نفوذ افکار تربیتی ژان ژاک روسو بر شماره پیروانش افزوده شد . ولی در نیم قرن اخیر جریانات مربوط به رفرم کلی تعلیم و تربیت صورت جدی تری بخود گرفت زیرا چه در اروپا و چه در آمریکا پیروان مکاتب نوین فعالیت‌های زیادی از خود نشان داده و سعی داشتند سازمان کهنه و فرسوده تربیتی را درهم شکسته و دستگاههای نوینی بوجود آورند که مطابق با احتیاجات جامعه‌های مترقی باشد.

جریان جنبش مکاتب نوین مربوط بعلمیست که ذیلا بشرح آنها میپردازیم :

الف - در وهله اول باید از ارزش شخصی فرد بشر از نقطه نظر اخلاق و همچنین ایمان بقدرت و توانائی تربیتی که با اصول صحیح اجرا شده باشد نام برده و بویژه علاقه و اهمیت به شخصیت کودک که در حال تکوین میباشد ناشی از همین امر است . البته منظور از این احترام و اهمیت احترامیست که برای خود کودک فی حد ذاته قائل هستیم نه بدین منظور که کودک هم فردا شخص بالغی خواهد شد که مورد

vittorino de Feltre - (۱)

Guarino de verone - (۲)

Comenius - (۳)

Port- Royal - (۴)

احترام عمده قرار خواهد گرفت. موضوع اعتماد به نیک سرشتی کودک و انسان بخصوص در مباحث مربوط به تربیت کودکان بی سرپرست و کسودن و عقب مانده و حتی در مورد جوانان خضاکار مورد بررسی قرار گرفته و امروز در ممالکی مثل آلمان و امریکا توجه به تربیت ودکانی که وضع غیر عادی دارند اساس و پایهٔ بررسیهای نوین تعلیم و تربیت را تشکیل میدهد.

ب - در درجهٔ دوم توجه مریبان به تعلیم و تربیت نوین که در نتیجهٔ تحقیقات علمی در بارهٔ نفسانیات و تحولات ذهنی کودک، توسعهٔ مییافت قابل توجه است. باید متذکر شد که اساس و پایهٔ تحقیقات علمی در بارهٔ نفسانیات کودک و مراحل مختلف آن مرهون افکار و عقاید ژان ژاک روسو مربی بزرگ عالم بشریت است که در این باره میگوید «باید کودک را شناخت تا بتوان هر آنچه که در باره او مورد نظر است بطور مؤثری عملی نمود». البته اصول و مباحث روانشناسی کودک و همچنین کمکهائی که علوم زیست شناسی - بررسی امراض روحی و امراض دماغی و روانشناسی تحلیلی بدان نموده اند مورد استفادهٔ علمای تعلیم و تربیت نوین واقع گردیده.

ج - در وهلهٔ سوم اشتغالات اجتماعی قابل اهمیت است چه در اثر این اشتغالات سازمان دموکراسی معاصر بر اساس توافق آزادانه و پذیرش آنی افراد بمنظور تشکیلات دسته جمعی استوار میباشد زیرا تنها در یک چنین محیط طبیعی است که فرد میتواند افکار و فعالیت های خود را هم آهنگ محیط سازد.

د - بالاخره در درجهٔ چهارم بایستی از تمایل فرد برای رهایی خود از قیود زندگانی اجتماعی یعنی مشکلاتی که خار راه تکامل سعادت فرد بوده و مانع تشکیل زندگی ساده طبیعی میگردد نام برد چه در چنین محیطی است که فرد میتواند تعادل جسمی و روحی خود را بدست آورده و سعادت خود را تأمین نماید (لازمست یادآوری شود که این نظر کاملا مخالف نظریهٔ قبل است زیرا در نظریهٔ قبل فرد قربانی سعادت جامعه بود در صورتیکه در نظریهٔ اخیر سعی میشود تا بارهایی از قیود اجتماع فرد خود را خوشبخت نماید).

در نتیجهٔ اختلاط این علل گوناگون مکاتب جدید اشکال مختلفی بخود گرفته اند

معینا هدف همه این مکاتب بکار بستن نتایج حاصله از تحقیقات علمی روانشناسی کودک میباشد. و فرمول کلی این مکاتب « اساس تعلیمات نوین تلیم و هدف آن اخلاق » میباشد. بنا براین مکاتب نوین دارای همان سن و روش‌های بشردوستی قدیم بوده و از طرف دیگر از آلیسم (۱) یعنی واقع بینی هم افکاری بشرح زیر اخذ نموده است.

تعلیم و تربیت بایستی موافق رشد و نمو کودک بوده و سعی داشته باشد که با کیفیت روحی و جسمی کودک سازش کند هدف تعلیم و تربیت باید بر اساسی استوار باشد که همیشه روابط موجود را با محیط طبیعی و اجتماعی او در نظر داشته باشد. بالاخره باید جنبه علمی تعلیم و تربیت کودک بر جنبه نظری آن برتری داشته باشد. بنا براین میتوان گفت که تعلیم و تربیت نوین مجموعه از عقاید بشردوستان و واقع بینان میباشد.

مکاتب نوین را میتوان از جنبه فلسفی پیرو عابد روسو J.J Rousseau بازددو (۲) ، سنکزی (۳) ، فروبل (۴) حتی هربرت (۵) و هربرت اسپنسر (۶) (که البته از عقاید متقدمین خود در اینده (۷) ، منتین (۸) ، کومنیوس (۹) و ژان لوك (۱۰) استفاده کرده‌اند) و از جنبه علمی پیرو عقاید استانی همان (۱۱) ، ویلیام جمیس (۱۲) ، بالدوین (۱۳) جان دیوی (۱۴) ، گروس (۱۵) ، الفرر بنه (۱۶) ، کلپاردو (۱۷) پیرژان (۱۸) دانست در سال ۱۸۹۶ جون دیوی (۱۹) در شهر شیکاگو یک دبستان نمونه تأسیس نمود و در ۱۸۹۹ کتابی بنام « مدرسه و جامعه » منتشر ساخت. در سال ۱۹۰۴ ماریا مونتسسر (۲۰) مؤسسه‌ای بنام Casa dei Bambini یعنی « خانه کودکان »

Pestalozzi - (۳)	Basidow - (۲)	Réalisme - (۱)
Herbert-Spencer - (۶)	Herbart - (۵)	Froebel - (۴)
Comenius - (۹)	Montaigne - (۸)	Rabelais - (۷)
William Jams - (۱۲)	StanleyHall - (۱۱)	Locke - (۱۰)
K.Groos - (۱۵)	John Dewey - (۱۴)	Baldwia - (۱۳)
Pierre-janet - (۱۸)	Celaparede - (۱۷)	Alfred Binet - (۱۶)
	MariaMontesseri - (۲۰)	John Dewey (۱۹)

در رم تاسیس نمود و عقاید آموزشی خود را که بر اساس اصل خودآموزی بود در آنجا بموقع اجرا گذاشت. نمبرده اصول و عقاید خود را در این خصوص در کتابی بنام «تعلیم و تربیت علمی» *Pedagogie scientifique* تشریح کرده است.

خلاصه در اواخر قرن ۱۹ اینگونه مدارس در اغلب ممالک متمدن تاسیس شده‌اند ولی ما فقط بذكر یکی از آنها میپردازیم.

در اثر کوششهای آدولف فریر (۱) فرانسوی در سال ۱۸۹۹ دفتر بین‌المللی مکاتب جدید تاسیس شد. وظائف عمومی این موسسه عبارت بود از:

جسم آوری فهرست مکاتب نوین، ایجاد روابط بخش اطلاعات جمع آوری شده، تبلیغات بنفع مکاتب نوین و بسط و توسعه روشهای نوین و بالاخره نشر مجله‌ای راجع باطلاعات مکاتب نوین و اقدامات موثر بمنظور بهبود وضع قوانین آموزشی در ممالک مختلف. در سال ۱۹۱۲ این دفتر بین‌المللی سعی کرد که مفهوم حقیقی مکاتب نوین را برای عامه روشن سازد. مکتب نوین یک شبانه روزی فمیلی است که محاش در قراء و قصبات میباشد و در یک چنین مؤسسه تربیتی تجارب شخصی کودک و کارهای دستی او پایه و اساس تربیتی ذهن او میباشد تربیت اخلاقی هم بوسیله استقامت او آموزان (حکومت بر خود) عملی میگردد.

در مقدمه کتابی موسوم به (یک مدرسه نوین در باژیک) میگوید برای اینکه مدرسه را بتوان مدرسه نوین نام دزد بایستی دارای سی شرط بشرحی که بعداً میاید باشد.

دفتر بین‌المللی مکاتب جدید میگوید اگر یک موسسه تربیتی دارای $\frac{۲}{۳}$ شرایط فوق باشد بز هم میتواند آن موسسه را یک مکتب نوین نامید. هائری بوشه (۲) در کتابی موسوم به افرادی نمودن تعلیمات میگوید.

برای اینکه مدرسه را بتوان مکتب نوین نامید بایستی اقلاً شامل ۱۵ شرط از این ۳۰ شرط باشد.

شرایط سی گانه

- ۱ - مدرسه نوین آزمایشگاه علوم تربیتی علمی است ۲ - يك شبانه روزی است
- ۳ - در قراء و قصبات واقع شده است ۴ - تعلیم و تربیت اطفال در خانه‌های جداگانه که هر يك دارای ۱۵ تا ۲۰ نفر دانش‌آموز است عملی میشود . ۵ - تعلیم و تربیت بطور اختلاط (پسر و دختر) داده میشود ۶ - دارای کارهای بدی است ۷ - دارای کارهای مربوط به زراعت و صناعت است ۸ - کارهای اختیاری ۹ - تربیت بدنی طبیعی (راه رفتن - شنا کردن) ۱۰ - دارای گردشهای عامی است ۱۱ - تقویت قوه قضائی کودک ۱۲ - ابتدا تخصص آنی سپس تخصص‌های اصولی ۱۳ - تعلیم و تربیت تجربی است ۱۴ - اساس و پایه تعلیمات بر روی فعالیت‌های کودک استوار است ۱۵ - در نظر گرفتن تمایلات و منافع آنی کودک بر حسب سن او ۱۶ - تحقیقات انفرادی ۱۷ - کارهای دسته جمعی با شرکت در دستجات مختلف ۱۸ - محدود ساختن تعلیمات بصبح‌ها ۱۹ - محدود ساختن مواد برنامه روزانه ۲۰ - محدود ساختن مواد برنامه در هر ماه و همچنین در هر سه ماه ۲۱ - خودآموزی اخلاقی با برقراری انتظامات مدرسه بوسیله نوآموزان ۲۲ - انتخاب رؤسای نوآموزان بوسیله خودشان ۲۳ - برقراری پرداخت مالیات بوسیله نوآموزان ۲۴ - تشویق نوآموزان ۲۵ - تنبیه نوآموزان متناسب با خلاقکاریهائیکه انجام داده‌اند ۲۶ - با خود رقابت کردن ۲۷ - تزیینات مدرسه بوسیله نوآموزان ۲۸ - موسیقی و آواز های دسته جمعی ۲۹ - تربیت وجدان اخلاقی بوسیله حکایات و اشعار ۳۰ - تربیت قوه استدلال عملی بوسیله تفکرات شخصی. تمام این مشخصات مربوط باصلی است که ژان پیاژه (۱) دانشمند نامی سوییسی بیان داشته است. پیاژه میگوید: تربیت نوین بخوبی درک نخواهد شد مگر اینکه در موقع اجرای روش و تعمق طرق آن دقیقاً اصول آن مورد بررسی قرار گرفته و ارزش روانشناسی (Psychologique) آن اقلا از سه نقطه نظر معلوم میگردد:
- ۱ - مفهوم کودکی ۲ - سازمان اندیشه کودک و قوانین مربوط به نمو آن

۳ - درك چگونگی زندگانی اجتماعی كودك .

نهضت مكاتیب نوین بعلمت بروز جنك بین الملل اول تا مدتی متوقف گردید ولی بلافاصله پس از خاموش شدن شعله‌های آن مجدداً راه تکامل خود را با نیرو و هیجان بیشتری در پیش گرفت بویژه چون نایره جنك جهانسوز اغلب تشکیلات مملکتی و مؤسسات فرهنگی اروپا را در هم ریخته بود ممالکی مانند اطریش و آلمان که شکست خود را در نتیجه فرهنگ قدیمی و شاید منحرف خویش میدانستند درصدد چاره جوئی برآمده و میکوشیدند تا با تأسیس مؤسسات نوین تربیتی و یا بکار بستن روشهای نوین تربیتی و همچنین تهیه برنامه‌ای که بااحتیاجات روز افزون جامعه‌ها وفق دهد جوانانی تربیت کنند که به بیچارگی آنان پایان بخشند و بوضع از هم گسیخته‌شان سروسامانی دهند. از طرف دیگر ممالک جدید التأسیس بیش از هر چیز متوجه بسط و توسعه سازمانهای فرهنگی خود بودند و میکوشیدند تا با ابتکارات و تحقیقات مربوط به روان شناسی كودك و علم آموزش و پرورش با گامهای سریعی مراحل اولیه را طی نموده و در اعداد پیشروان تعلیم و تربیت نوین قرار گیرند. مریبان، فلاسفه و حتی سیاسیون آنها با بکار بستن روشهای نوین و اجراء يك برنامه صحیح که جنبه انسانی و احساساتی آن به مراتب بیش از رویه‌های پیشین بود در صدد تهیه وسایل نزدیکی اجتماعات بشری بر آمدند شکی نیست که نهضت مكاتب نوین تربیتی دارای يك جنبه بین المللی است که نبایست تأثیر آنرا در چگونگی نزدیکی ملل نادیده پنداشت چه سررشته‌داران این نهضت امیدوارند که بكمك روشهای جدید، تعلیمات نوین راطوری به نوآموزان و دانشجویان عرضه بدارند که دیگر هیچگونه جای بازگشت برای تاریخ تأسف آور گذشته باقی نماند. مریبان و فلاسفه عقیده دارند که اگر تعلیمات صحیح بی غرضانه و توأم با روح بشر دوستی و نوع پروری به نوآموزان پاك طینت عرضه شود روزی فرا خواهد رسید که خود بخود يك همکاری صمیمانه و عاقلانه بین جوانان ممالک گیتی بر قرار شده و از بروز هرگونه جنك و خونریزی جلوگیری خواهد شد در دنباله این نهضت و برای تثبیت آن در سال ۱۹۲۱ علاقمندان به آتیة

کودکان مؤسسه بنام (طرفداران مکاتب نوین) در شهر ژنو تأسیس نمودند و مقرر گردید هر دو یا سه سال یکبار علماء و دانشمندان علوم تربیتی و روانشناسی کودک در آنجا اجتماع نموده نتایج تحقیقات و آزمایشهای خود را در معرض افکار عمومی قرار دهند . با تأسیس این مؤسسه در شهر ژنو زادگاه بزرگترین مربیان گیتی ژان ژاک روسو و با بودن دانشمندانی چند مانند کلابارد استاد روانشناسی کودک در دانشگاه و ژان پیازه روان شناس معروف سوئیسی و پیربووه (۱) استاد علوم تربیتی دانشگاه ژنو انستیتو ژان ژاک روسو مرکز بررسی های آموزشی بمنظور پیشرفت نهضت مکاتب نوین قلمداد شد .

در شهر ژنو یک مؤسسه برای تربیت معلم بنام انستیتو ژان ژاک روسو وجود دارد که ضمیمه آن کودکستانی است که بنام زیبایی خانه کودکان نامیده میشود و درحقیقت این کودکستان آزمایشگاه مؤسسه نامبرده در فوق میباشد . دانشجووریکه اذاضراف و اکتاف عالم برای تحصیل وارد این مؤسسه میگرددند تحت نظر استادان آنچه را که مربوط بکودک و کودکی است عملاً در خانه کودکان درک نموده و پس از بازگشت مواضع خود تحقیقات و ابتکارات خود را به صورت اصول و احکامی بموقع اجراء میگذارند .

خوشبختانه پس از تأسیس این مؤسسه تربیتی بین المللی روز بروز بر تعداد طرفداران نهضت تربیتی افزوده شد بطوریکه دیگر امروز هیچ نیروی قادر بجلوگیری از تکامل و توسعه آن نبوده و زوال یا شکست آن امکان ناپذیر است بویژه در کشور آمریکا در اثر توسعه دامنه تحقیقات و ابتکارات شخصی هر روز طرح های تربیتی پس از تحقیقات و تجربیات لازم بمدارس جدید عرضه شده و مورد اجراء قرار میگیرند . بعنوان مثال میتوان از طرح دالتون (۲) و همچنین تأسیس دبستان نوین وینیک (۳) و یا کودکستان ماک میلان (۴) نام برد . در بین این طرحها میتوان از روش کلاسهای

متحرک که کودکان میتوانند بر حسب استعداد و قوه خود در کلاسهای مخصوص شرکت نمایند (مثلاً اگر کودک در حساب قوی است این ماده را در کلاسهای بالاتری تعقیب مینماید و اگر در ماده ضعیف است در کلاس پایین تری حاضر شده و از درس معلم استفاده مینماید) یا ممکن است از روش کارهای آزاد که بر اساس تمایلات غریزی کودک استوار است نام برد و بالاخره در تربیت اخلاقی از روش **Self - government** بدین معنی که انتظامات در محیط مدرسه بعهده نوآموزان قرار داده شده و خودشان بایستی خود را از هر حیث اداره نمایند.

بایستی متذکر بود که بسیاری از ممالک اروپا هم از نهضت مکاتب نوین پیروی نموده و از روشهای مترقی تربیتی استفاده نموده اند، ممالکی مانند ترکیه و شیلی هم روش مکاتب نوین را با آغوش باز پذیرفته و بکار بسته اند و نتیجه این عمل هم امروز بخوبی در تمام شئون این دو مملکت مشهود است. در کشور فرانسه هم این نهضت پیروان بیشماری داشته و کارهای مؤثری انجام داده اند و بعنوان مثال میتوان از فعالیتهای دوستداران دانشگاه نوین و طرفداران الفرد بیسنه متبکر مقیاسهای مربوط به تعیین سن هوشی و یا آزمایشی معروف به هوش (که خوشبختانه روش ابتکاری او در آمریکا بحدی بسط و توسعه یافته که حتی در سربازخانه ها هم برای طبقه بندی سربازان بر حسب استعدادهای ذاتی آنان از آن استفاده میشود نام برد) و باز میتوان بعنوان مثال از دوستداران رونه کوزینه (۱) متبکر کارهای دسته جمعی کودکان و بالاخره از پیروان فرنه (۲) (که با برقراری چاپخانه در دبستانها و تهیه مقالات و کلیشه ها بوسیله نوآموزان خدمت بزرگی را بعالم فرهنگ و پیشرفت آن نموده است) ذکری بمیان آورد بيمورد نیست که متذکر گردیم که این نهضت تاشروع جنگ بین الملل دوم همچنان راه تکامل را میپیمود اما متأسفانه باردیگر با بروز جنگ تا مدت بحال رکود باقی ماند ولی خوشبختانه طرفداران این نهضت مقدس هرگز از پانزشته و با پایان یافتن جنگ دوباره دنباله فعالیتهای خود را از سر گرفته و با کوشش خستگی ناپذیری

همچنان در راه هدف نهائی پیش میروند. تاسیس مؤسساتی مانند یونسکو و امثال آن که هدفی جز نزدیک ساختن افراد مثل مختلف بیکدیگر و ایجاد تفاهم بین المللی ندارند از نتایج آشکار این نهضت مقدس است. امیدواریم همچنان که در سر لوحه آمال بانیاں آن مضبوط است مریان و فلاسفه و دانشمندان ممالک مختلف با همکاری صمیمانه خود شالوده جهان نویسی را بریزند که اساس آن بر پایه احترام متقابل و بشر دوستی و نوع پروری استوار باشد.

منابعی که در تنظیم این مقاله مورد و استفاده قرار گرفته اند بقراری است:

- 1 - L, individualisation de l' enseignement
par Henri Bouchet.
- 2 - Encyclopedie de Monzie, Tome XV. Education et
Instruction
- 3 - Education et culture.
- 4 - Pédagogie générale de René Hubert
- 5 - Histoire de la Pédagogie de René Hubert
- 6 - Cahiers de Pédagogie moderne pour l' enseignement
du premier degré
- 7 - Emile de J.-J. Rousseau
- 8 - L, Investigation pédagogique par E. Planchard